

تاریخچه قوانین افراد دارای معلولیت ایران و جهان

دکتر کامران عاروان
مدیر عامل جامعه معلولین ایران

اسلام و تعالیم عالیه بانی آن حضرت محمد (ص) تاکید بسیاری بر دستگیری از مساکین و فقرا از طریق اعطای صدقه، انفاق، وقف و نیکی کردن به آنان داشت که مطمئناً بخشی از آن متوجه افراد دارای معلولیت می‌شد که در نظام نابرابر پیش از پیامبر، دچار عسرت‌ها و مشقت‌های متعدد و طاقت‌فرسا بودند. طرح‌های اقتصادی پیامبر جهت از میان بردن فاصله طبقاتی و زدودن چهره فقیر از جامعه، ترمیمی برای زندگی ناگوار افراد دارای معلولیت آن دوره بود و ترویج این فرهنگ در جامعه که همه موجودات عالم مخلوقات خداوند هستند و حق زندگی دارند و جز تقوا و پرهیزگاری هیچ فضل و برتری میان آدمیان نیست، به یقین ضربه شدیدی به پیکره اندیشه‌ها و رفتارهای برتری‌جویانه و تبعیض‌گرایانه ساختگی در مورد افراد دارای معلولیت و فراقشیدن آنها از موقعیت ذلیل و نازل بود. توصیه‌های ایشان توأم با عمل بود و در دوران حکومتش حاکمی نابینا به‌نام ابن‌مکتوم را چند بار در غیاب خود بر شهر مدینه گمارد و حکومت مهم یمن را به معاذ بن جبل که از ناحیه پا معلول بود، سپرد.

سیره حضرت علی (ع) نیز، هم در دوران زندگی و هم در دوران حکومت چهار ساله، همواره مبتنی بر حمایت جدی از ستمدیدگان، بینوایان و بیماران و ناتوانان بود. توصیه امام به مالک اشتر، نشانگر اولویت وی در این امور است: "سپاس خدا را! در طبقه فرودین از مردم؛ آنان که راه چاره ندانند و از درویشان و نیازمندان و از بیماری بر جای ماندگانند (اشاره به افراد دارای معلولیت زمین‌گیر است که به علت فقدان لوازم توانبخشی در آن زمان کمتر قدرت حرکت داشتند و به این نام شهرت یافته بودند) که در این طبقه مستمندی است خواهنده و مستحق عطایی است به روی خود نیاورنده و برای خدا حقی از خود را که به آنان اختصاص داده و نگهبانی آن را به عهده‌ات نهاده پاس‌دار و بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمین‌های خالصه را در هر شهر به آنان واگذار، که دوردست‌ترین آنان را همان باید که برای نزدیکان است و آنچه بر عهده تو نهاده‌اند، رعایت حق ایشان است..." امام حسین (ع) نیز پیش از عزیمت به کوفه و ماجرای کربلا از فراموشی پیمان با رسول خدا در یاری و

ایران نیز هم‌زمان با این تحولات بین‌المللی و مطابق اهداف جمهوری اسلامی ایران، به تدوین و تصویب قانون جامع حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت در ۱۶ ماده در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ پرداخت. حرکت موثر بعدی امضای کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت توسط مجلس شورای اسلامی در ۱۳ آذر ۱۳۷۸ و پیوستن رسمی ایران به این کنوانسیون بود که اقدام مهم دیگری در این دوره بود

درد دیرینه معلولیت، به قدمت زیست بشر در کره خاکی است و از همان زمان که انسان به‌عنوان یکی از موجودات زمینی پا به عرصه وجود نهاد، حوادث طبیعی، بیماری‌ها، حمله وحوش و ازین دست، شروعی برای قضیه معلولیت در میان خانواده‌های اولیه و جوامع ابتدایی بود. با شکل‌گیری جوامع متمدن، گستره معلولیت افزایش یافت و جنگ‌ها، عوارض کارهای روزانه و بیماری‌های همه‌گیر، از علت‌های افزایش تعداد افراد دارای معلولیت به شمار می‌آمد.

چندین راه فراروی مردم این زمان در واکنش به این پدیده وجود داشت: یکی آن‌که این افراد را از جامعه به خاطر زائد بودن و سربرای بودن حذف کنند. چنان‌که در دوران باستان، کودکان دارای معلولیت را می‌کشتند. در روم قدیم کودکان دارای معلولیت را به رودخانه تیر می‌انداختند. در بخشی از هند باستان، این کودکان را از بدو تولد جدا کرده و به کام مرگ می‌بردند.

دوم آن‌که آن‌ها را با مشقت زیاد نگه می‌داشتند ولی این افراد در اکثر مواقع، طفیلی و به حاشیه‌رانده جامعه بودند و در سنین کودکی به تکدی‌گری کشیده می‌شدند. از همان بدو تولد، فردی که معلولیت داشت، با فقر و فاقه پیوند خورده بود و درصد بالایی مسکینان هر جامعه را افراد دارای معلولیت تشکیل می‌دادند و اکثر آنها دست‌طلب و خواسته به سوی دیگران داشتند. به نقل از کتاب داتستان دینیک، در ایران باستان جهت رفع این مشکل، مقرر شده بود که به فرزندان دارای معلولیت دو برابر دیگر فرزندان ارث تعلق گیرد تا پستوانه‌ای برای استمرار زندگی بدون فقر آنها باشد.

سازمان ملل در سال ۱۹۸۴ حقوق بشر مخصوص افراد دارای معلولیت را اصلاح و تدوین نمود. در ۱۹۹۲ برای بار اول روز سوم دسامبر (مصادف با ۱۲ آذر) به عنوان سالروز تصویب قانون برنامه جهانی در ارتباط با افراد دارای معلولیت، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد روز جهانی افراد دارای معلولیت اعلام شد تا هر سال در این تاریخ، برنامه‌هایی در سراسر جهان اجرا شود.



یاوری نابینایان، ناشنوایان و افراد دارای معلولیت توسط مردم و حکومت اموی گله می‌کند.

البته تمدن اسلامی در دوران اوج پرشکوه خود، کم و بیش این دستورات و سیره نبی اکرم (ص) و سایر بزرگان دین اسلام را رعایت می‌کرد و در این خصوص و بر پایه مستندات موجود، در توجه و التفات و بهبود شرایط افراد دارای معلولیت، از پیشروان عصر خود به حساب می‌آمد. در این دوران (حدود قرن هفتم میلادی) در شهرهای اسلامی بغداد، قاهره، دمشق و مراکش دارالمساکینی جهت نگهداری و حفاظت از افراد دارای معلولیت تاسیس شد. یاری بینوایان و ناتوانان بخش مهمی از اعمال دیوان‌های حکومتی و حاکمان مسلمان بود و ثروتمندان جامعه اسلامی از طریق صدقه و بخشش، اطعام، ایجاد موقوفه‌ها که در منابع به آن اشاره شده‌است، به ایجاد رفاه اجتماعی کمک شایانی نمودند. پیشرفت پزشکی در تمدن اسلامی و ساختن بیمارستان در یاوری به افراد دارای معلولیت و کاهش دردهایشان بسیار موثر بوده‌است. بیمارستان جندی‌شاپور اهواز، بیمارستان عضدی در بغداد و در شیراز، بیمارستان نوری دمشق، بیمارستان قرطبه اندلس، بیمارستان

منصوری قاهره و بیمارستان ری، نمونه‌های شاخصی از این امر هستند. در کنار کارهای پزشکان حاذق و دستاوردهای پزشکی در تمدن اسلامی، به اطمینان در خدمت بیماران و از جمله افراد دارای معلولیت بوده است و زکریای رازی، ابوعلی سینا، اصبیعه و ابن‌النفیس، ابن‌ازهر، ابن‌رشد، ابن‌ماسویه، ابن‌الخطیب، ابوالقاسم اندلسی، علی‌بن‌العباس مجوسی اهوازی و هزاران پزشک متبحر و مجرب که مطالعات و اقدامات کارسازی در خصوص بیماری‌های سرخک، رماتیسم مفاصل، سنگ مثانه و بیماری‌های کلیوی و بیماری‌های کودکان، بهداشت عمومی، جراحی‌های دشوار، تغذیه مناسب، بررسی کارکرد قلب و جریان خون، کالبد شکافی، بیماری‌های مغزی، استخوانی، ریوی، بیماری‌های آبله و جذام و طاعون (که در نظر پزشکان اسلامی یک بیماری قابل علاج بود و نه مجازات

خداوند یا عذاب آسمانی)، بیماری‌های زنان و کمک‌ها و جراحی‌های زایمانی، عفونت زدایی، شکسته‌بندی (ارتوپدی امروزه)، چشم پزشکی، داروسازی و تسکین درد، انجام دادن و تالیفات متعددی نگاشتند که تا قرن‌ها در اروپا تدریس می‌شد و مورد استفاده قرار می‌گرفت. حتی پیشرفت کار آنها چنان بود که در مورد درمان روان آدمی، برخورد با بیماران روانی مبتنی بر نگاه بشردوستانه نیز خدمات ارزشمندی ارائه دادند. فرصت‌های مناسب‌تری برای آنها در سطح جامعه به نام محدثان، مفسران، قاریان، قصه‌گو و نویسندگان و غیره ایجاد شد که دارای معلولیت بوده‌اند و به جایگاه‌های بزرگی نیز دست یافتند.

همه این‌ها در حالی در این دوران انجام می‌شد که در اروپای قرون وسطی مصادف با این دوران، نه بیمارستان مجهزی و نه پزشک متخصصی وجود داشت و اکثر درمان‌ها بر پایه خرافات و مسائل غیرعقلی بود و حتی بیماری جسمی

را مجازات خدا یا عفو آسمانی می‌شمردند، امراض ذهنی یا روحی را به خاطر حلول شیطان در بدن تصور می‌کردند و با روش‌های نامتعارف و خشن و کشنده، به اصطلاح به درمان آن می‌پرداختند. همین نشانگر اوضاع ناگوار و دهشت بار افراد دارای معلولیت در قرون وسطی است. در گزارش‌های تاریخی آمده که در این قرون، تعداد زیادی زن، دختر و مادران معلول به اتهام جادوگری محکوم به بدترین مرگ‌ها شدند.

در دوران جدید به‌ویژه از قرن هجدهم به بعد، پیشرفت‌های جدید و اعجاب‌آوری در حوزه پزشکی، پیشگیری، شناسایی و جلوگیری از بیماری‌های واگیرداری چون طاعون، مالاریا، تب زرد، آبله، تیفوس، آنفلوآنزا، وبا، سل، سرخک، دیفتری و سایر بیماری‌ها، جراحی‌های نوین، بهداشت عمومی، ایجاد بیمارستان‌های تخصصی و پرستاری و تیمارستان‌های جدید، حوزه پزشکی افراد دارای معلولیت را بهبود بخشید و تعداد آنها را تحت کنترل درآورد. ساخت وسایل توانبخشی نیز کمک شایانی به بهبود شرایط زندگی آنها نمود. البته این اتفاق‌ها در این زمان متعلق به جغرافیای خاص و محدودی بود و هنوز در سراسر کره خاکی تسری پیدا نکرده بود تا همه افراد دارای معلولیت جهان از وضعیت مناسبی بهره‌مند شوند. راهی طولانی در پیش بود و همتی بلند برای گسترش این امر می‌طلبید.

در اواخر قرن بیستم تمرکز قوانین افراد دارای معلولیت، بر از میان بردن تبعیض‌ها و اقدامات مستقیم و جدی و تعهد عملی بر ساختن جهانی برابر در خصوص حل مسائل پیش روی افراد دارای معلولیت بود. برگزاری مسابقات پارالمپیک برای افراد دارای معلولیت نیز از تحولات بزرگی بود که برابر سازی فرصت‌ها و حضور اجتماعی آنها را میسر نمود و شتاب بخشید.

برای تعلیم‌پذیری افراد دارای معلولیت نیز با اختراع خط بریل، ایجاد مدارس ویژه نابینایان، ناشنوایان و کودکان استثنایی و ابداع شیوه‌های آموزشی جدید، گامی بلند برداشته‌شد.

قرن نوزدهم برای افراد دارای معلولیت آغاز تحولات بزرگ بود. تصویب قوانین جدید برای نگهداری بیماران ذهنی در سال‌های ۱۸۲۸، ۱۸۴۵، ۱۸۴۸ و تأسیس انجمن‌ها و سازمان‌های حمایتی از افراد دارای معلولیت و بیمارستان‌های تخصصی از جمله این اقدامات بود.

قرن بیستم را باید جهشی بزرگ برای بهبود وضعیت افراد دارای معلولیت در تمام عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و حقوقی دانست. در این قرن بود که پدیده سامان بخشی و برابر سازی فرصت‌های زندگی برای افراد دارای معلولیت با کمک سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد و نیز رسانه‌های جمعی رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها، نشریات و کتب تخصصی، جهانی شد. از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد این قرن، خیزش افراد دارای معلولیت نخبه و فرهیخته‌ای بود که با تشکیل جمعیت‌ها و سازمان‌های مختص به خود به تلاش برای نیل به اهداف و خواسته‌های بحق خود در زمینه‌های مختلف پرداختند و از طریق برپایی تظاهرات، انتشار روزنامه‌ها و غیره اعتراضات خود را مطرح کردند.

این امر پس از جنگ جهانی دوم و فجایی که آلمان نازی به سرکردگی هیتلر به مانند دوران باستان بر سر افراد دارای



معلولیت آورد و آن‌ها را در اتاق گاز خفه می‌کرد، شتاب بیشتری گرفت.

اولین حقوق کار برای افراد دارای معلولیت در سال ۱۹۵۸ شکل گرفت، گروه درآمد معلولیت در ۱۹۶۵ تأسیس شد، فراخوانی پاول هانت، یک فرد دارای معلولیت، در روزنامه گاردین برای برابری افراد دارای معلولیت در ۱۹۷۲، تصویب توانبخشی مجدد در آمریکا در ۱۹۷۳، تشکیل اتحادیه معلولیت برای کاهش فقر افراد دارای معلولیت در انگلستان در ۱۹۷۴ و صدور اعلامیه سازمان ملل برای حقوق افراد دارای معلولیت در ۱۹۷۵، گام‌های محکم و موثری برای احقاق حق آنها و بازگرداندن آنها به زندگی طبیعی بود. البته گام‌های بعدی جهانی و همه‌گیر بودند.

در سال ۱۹۸۱ برای نخستین بار، سال جهانی افراد دارای معلولیت را اعلام نمودند. در این زمان حدود ۲۰۰ میلیون افرادی که معلولیت داشتند، در جهان وجود داشت. سازمان بین‌المللی افراد دارای معلولیت (DPI) تشکیل شد و در سنگاپور نخستین کنگره خود را برگزار کرد. اولین قانون جهانی افراد دارای معلولیت در ۱۹۸۱ تدوین شد و وظایف عمده‌ای را برای مراجع حکومتی نسبت به آنان تعیین کرد. مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۳، از این سال تا سال ۱۹۹۲ را دهه افراد دارای معلولیت اعلام کرد و دولت‌ها را مکلف به انجام اقدامات اساسی برای حل مسائل افراد دارای معلولیت کشور خود نمود. سازمان ملل در سال ۱۹۸۴ حقوق بشر مخصوص افراد دارای معلولیت را در ۱۹۸۴ اصلاح و تدوین نمود. در ۱۹۹۲ برای بار اول روز سوم دسامبر (مصادف با ۱۲ آذر) به عنوان سالروز تصویب قانون برنامه جهانی در ارتباط با افراد دارای معلولیت، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد روز جهانی افراد دارای معلولیت اعلام شد تا هر سال در این تاریخ، برنامه‌هایی در سراسر جهان اجرا شود.

اوضاع اروپا مطلع و مشرف بود. این اقدامات در چند حوزه انجام گرفت؛

- اولین اقدام امیرکبیر، پیشگیری و ممانعت از ازدیاد معلولیت در ایران بود؛
- تأسیس دارالفنون و ایجاد رشته پزشکی زیر نظر ادوارد پولاک که پزشکی جدید را برای تربیت شاگردان ایرانی وارد ایران نمود؛
- ایجاد بیمارستان برای درمان ایرانیان؛
- ایجاد دارالعهده‌ها توسط دولت و اشخاص برای نگهداری از افراد دارای معلولیت فقیر؛
- مقابله با تکدی‌گری افراد دارای معلولیت؛
- سنگ فرش نمودن خیابان‌ها و پیاده‌روها و رسیدگی به اوضاع فیزیکی شهر و ایجاد آبراه‌ها و تیرهای چراغ گاز و نفتی و برقی که رفت و آمد افراد دارای معلولیت را هم تسهیل می‌کرد.

البته باید در نظر داشت که گستره این اقدامات، به جز مایه کوبی آبله که در سراسر کشور، در تهران و یا شهرهای بزرگ ایران بود که در برخی مواقع مقطعی و موقتی اعمال می‌شد و دگرگونی‌های سیاسی و اقتصادی در ادامه این روند، تأثیر مستقیم و البته بازدارنده و کاهنده داشت.

ایران نیز هم‌زمان با این تحولات بین‌المللی و مطابق اهداف جمهوری اسلامی ایران، به تدوین و تصویب قانون جامع حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت در ۱۶ ماده در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ پرداخت. حرکت موثر بعدی امضای کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت توسط مجلس شورای اسلامی در ۱۳ آذر ۱۳۷۸ و پیوستن رسمی ایران به این کنوانسیون بود که اقدام مهم دیگری در این دوره بود

در زمان پهلوی اول نیز برای سامان بخشی افراد دارای معلولیت و بیماران مزمن، اقدامات مختلفی انجام شد. در دوره پهلوی دوم تلاش‌های دیگری هم رخ داد تا امور افراد دارای معلولیت حل و فصل شود. انقلاب اسلامی بر پایه شعارهای حمایتی از نیازمندان و مستضعفان، اقدامی هم‌چون تأسیس سازمان بهزیستی کشور را توسط شهید فیاض‌بخش در ۱۳۵۹ انجام داد تا بتواند با کارهای آموزشی، اشتغال، فرهنگ‌سازی و توانبخشی، افراد دارای معلولیت را در جامعه توانمند سازد. در همین سال‌ها، انجمن‌های جدیدی همچون جامعه معلولین ایران و موسسه نیکوکاری رعد شکل گرفت و گام‌های موثری در رشد و ارتقای جایگاه افراد دارای معلولیت ایفا نمودند.

در عرصه جهانی، کمیسیون حقوق افراد دارای معلولیت آغاز بکار کرد و در اعلامیه پکن، حقوق افراد دارای معلولیت در قرن جدید اعلام شد. اولین مجلس افراد دارای معلولیت در بیرمنگام انگلیس در ۲۰۰۳ آغاز بکار کرد. ایران نیز هم‌زمان با این تحولات بین‌المللی و مطابق اهداف جمهوری اسلامی ایران، به تدوین و تصویب قانون جامع حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت در ۱۶ ماده در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ پرداخت که البته نقش سازمان‌های غیردولتی مرتبط با امور افراد دارای معلولیت در تدوین این قانون بسیار مهم و حائز اهمیت بود. حرکت موثر بعدی امضای کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت توسط مجلس شورای اسلامی در ۱۳ آذر ۱۳۷۸ و پیوستن رسمی ایران به این کنوانسیون بود که اقدام مهم دیگری در این دوره بود.

۱. منابع این مقاله در دفتر مجله توانیاب موجود است.